

روم رؤیا را محقق می‌کند - شماره پنج

پرده برداری از مناقشات مکرر نبوتی در ادونتیسیم: شناخت غارتگران قوم تو

Jeff Pippenger

2024-08-09

در مقاله قبلی، شش خط سیر نبوی مناقشه‌آمیز را که در تاریخ ادونتیسیم از دوران جنبش میلر تا امروز رخ داده‌اند شناسایی کردیم. من معتقدم نخستین و آخرین مناقشه درباره «غارتگران قوم تو» در آیه چهاردهم از باب یازدهم کتاب دانیال، از نظر نبوی یکسان‌اند. پیروان میلر «غارتگران» را روم می‌دانستند و پروتستان‌ها تعلیم می‌دادند که «غارتگران» پادشاهی سوری به نام آنتیوخوس اپیفانس است.

و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخاوند خاست؛ و نیز غارتگران قوم تو خود را بلند خواهند ساخت تا رؤیا را استوار سازند، اما فرو خواهند افتاد. دانیال ۱۱:۱۴.

از آیه ۱۰ آغاز می‌شود و تا آیه ۱۵ ادامه می‌یابد؛ در آن جنگی میان پادشاهی‌های مصر و سوریه توصیف شده است. در این بخش، مصر «پادشاه جنوب» و پادشاه سوریه «پادشاه شمال» معرفی شده‌اند. آیه ۱۰ آغاز چهارمین جنگ سوری در سال ۲۱۹ پیش از میلاد را آن‌گونه که تاریخ‌نگاران می‌نامند مشخص می‌کند؛ آیات ۱۱ و ۱۲ نبرد رافیا در سال ۲۱۷ پیش از میلاد و پیامدهای آن را بیان می‌کنند. سپس آیات ۱۳ تا ۱۵ به نبرد پانیوم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد اشاره دارند. در آیات ۱۰ تا ۱۵، پادشاه سوریه آنتیوخوس کبیر، فرمانروای امپراتوری سلوکی است.

آیه ده دوره‌ای از تاریخ را بازنمایی می‌کند که آنتیوخوس بزرگ جنگی را برای بازپس‌گیری قلمرویی که سال‌ها پیش از پادشاهی سلوکی گرفته شده بود آغاز می‌کند. در این آیه او در سال ۲۱۹ پیش از میلاد آن سرزمین از دست‌رفته را باز می‌گیرد، اما موقتاً از تهاجمات خود دست می‌کشد و می‌کوشد توان نظامی‌اش را تجدید سازمان دهد. او دوباره بر آن سرزمین مسلط شد و تا مرز مصر، پادشاهی جنوبی‌ای که دودمان بطلمیوسی بر آن فرمان می‌راند، پیش رفت. میان سال‌های ۲۱۹ و ۲۱۷ پیش از میلاد، هم پادشاه جنوب و هم پادشاه شمال برای نبرد رافیا که در پیش بود برنامه‌ریزی کردند.

نبرد رافیا در سال ۲۱۷ پیش از میلاد رخ داد و پادشاهی جنوبی مصر که به دست بطلمیوس اداره می‌شد بر شاه سوریه، آنتیوخوس کبیر، که در آن بخش پیش‌گویانه «پادشاه شمال» خوانده می‌شود، غلبه یافت. سپس در آیات سیزده تا پانزده، هفده سال بعد، یعنی در ۲۰۰ پیش از میلاد، آنتیوخوس کبیر که آنگاه با فیلیپ مقدونی هم‌پیمان شده بود، مصر را در نبرد پانیوم درگیر کرد. در آن زمان پادشاهی جنوبی مصر پادشاه خردسالی حدود پنج یا شش ساله داشت و آنتیوخوس کبیر و فیلیپ نتوانستند از سوءاستفاده از پادشاه خردسال مصر چشم‌پوشند، و آنتیوخوس کبیر در نبرد پانیوم پیروز شد. سه آیه‌ای که نبرد پانیوم را بیان می‌کنند، آیه چهاردهم را نیز در بر می‌گیرند؛ جایی که قدرتی تازه به روایت پیش‌گویانه معرفی می‌شود.

غارتگران قوم تو، قدرتی متفاوت‌اند از پادشاه مصری جنوب، یا پادشاه سلوکی شمال، یا فیلیپ، فرمانروای مقدونی. میلی‌ها تشخیص دادند که روم همان غارتگران قوم تو است. یکی از ریشه‌های عبری واژه‌ای که به «غارتگران» ترجمه شده، به معنای «شکننده» است. روم بت‌پرست در نبوت به‌عنوان قدرتی نمایانده شده است که درهم خواهد شکست.

پس از این در رویاهای شب دیدم، و اینک حیوانی چهارم، هولناک و دهشت‌انگیز و بسیار نیرومند؛ و دندان‌های آهنین بزرگ داشت: بلعید و خرد کرد، و باقی‌مانده را با پاهای خود لگدمال کرد؛ و از همه حیواناتی که پیش از آن بودند متفاوت بود؛ و ده شاخ داشت. دانیال ۷:۷.

وقتی اوریا اسمیت درباره راهزنان اظهار نظر می‌کند، از یک مورخ نقل قول می‌کند که خاطرنشان می‌کند راهزنان نمایانگر شکنندگان‌اند.

اکنون قدرتی تازه معرفی می‌شود— «غارتگران قوم تو»؛ به‌طور تحت‌اللفظی، به‌گفته اسقف نیوتن، «شکنندگان قوم تو». در دوردست، بر کرانه‌های رود تیبر، پادشاهی‌ای با طرح‌های بلندپروازانه و نقشه‌های تیره خود را می‌پرورانند. در آغاز کوچک و ناتوان بود، اما با شتابی شگفت‌آور در قدرت و نیرو رشد کرد و با احتیاط این‌سو و آن‌سو دست می‌گشود تا توانمندی خود را بیازماید و زور بازوی جنگی خویش را محک بزند، تا آن‌که، آگاه از قدرت خویش، بی‌باکانه سر بر میان ملت‌های زمین افراشت و با دستی شکست‌ناپذیر سکان امورشان را به چنگ گرفت. از این پس نام روم بر صفحه تاریخ نقش می‌بندد؛ مقدر است که در قرن‌های دراز زمام امور جهان را در دست گیرد و تا پایان زمان در میان ملت‌ها نفوذی نیرومند اعمال کند.

«روم سخن گفت؛ و سوریه و مقدونیه به‌زودی دریافتند که تغییری بر منظر رؤیای ایشان فرومی‌آید. رومیان به حمایت از پادشاه جوان مصر مداخله کردند، با این تصمیم قاطع که او را از هلاکتی که به‌وسیله آنتیوخوس و فیلیپ برایش تدبیر شده بود، محفوظ بدارند. این در سال ۲۰۰ پیش از میلاد بود، و یکی از نخستین مداخلات مهم رومیان در امور سوریه و مصر به‌شمار می‌رفت.» اوریا اسمیت، Daniel and Revelation, 257.

پیشگویی بیان‌شده در آیات در حدود بیست سال، از ۲۱۹ پیش از میلاد تا ۲۰۰ پیش از میلاد، تحقق یافت؛ اما پیامبران بیش از روزگاری که خود در آن می‌زیستند، درباره روزهای آخر سخن می‌گویند.

«هر یک از انبیای باستانی کمتر برای زمان خود سخن گفتند تا برای زمان ما، از این‌رو نبوت ایشان برای ما نافذ است.» و این همه بر ایشان واقع شد تا نمونه‌ها باشد؛ و برای تنبیه ما مکتوب گردید، که انتهای عالم‌ها بر ما رسیده است.» ۱ قرن‌تیاں ۱۰:۱. «که نه برای خودشان، بلکه برای ما این امور را خدمت می‌کردند، که اکنون به شما خبر داده شده است به‌واسطه آنان که انجیل را برای شما موعظه کردند، به روح‌القدس فرستاده‌شده از آسمان؛ اموری که فرشتگان آرزومندند در آنها بنگرند.» ۱ پطرس ۱۲:۱۱....»

کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر انباشته و یکجا گرد آورده است. همه رویدادهای بزرگ و وقایع خطیر تاریخ عهد عتیق در این روزهای واپسین در کلیسا خود را تکرار کرده‌اند و می‌کنند. پیام‌های برگزیده، جلد ۳، ۳۳۸، ۳۳۹.

با آنکه دانیال در دوره بیست‌ساله‌ای که ما در نظر داریم نمی‌زیست، الهام از طریق نوشته‌های خواهر واپت به ما می‌گوید که بخش زیادی از تاریخ ثبت‌شده در باب یازدهم دانیال قرار است در تحقق نهایی باب یازدهم دانیال تکرار شود.

"ما وقتی برای از دست دادن نداریم. روزگار پرآشوبی پیش رویمان است. جهان با روح جنگ به تلاطم افتاده است. به‌زودی صحنه‌های آشوبی که در نبوت‌ها از آن سخن گفته شده، رخ خواهد داد. نبوت باب یازدهم دانیال تقریباً به تحقق کامل خود رسیده است. بخش زیادی از آنچه برای تحقق این نبوت در تاریخ رخ داده است، تکرار خواهد شد." منتشرات دست‌نوشته‌ها، شماره ۱۳، ۳۹۴.

آیات ده تا پانزده دانیال یازده بیانگر تاریخ روزهای آخر هستند که به قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع می‌انجامد؛ زیرا آیه شانزدهم مشخص می‌کند که روم برای نخستین بار چه زمانی «سرزمین جلال» را فتح کرد.

اما آن که بر ضد او برمی‌آید، هر چه بخواهد خواهد کرد و هیچ‌کس در برابر او نخواهد ایستاد؛ و او در سرزمین باشکوه خواهد ایستاد، که به دست او نابود خواهد شد. دانیال ۱۱:۱۶.

دانیال دو بار در نوشته‌هایش از تعبیر «سرزمین باشکوه» استفاده می‌کند. نخستین مورد در آیه شانزدهم است، زمانی که روم بت‌پرست حقیقی سرزمین باشکوه حقیقی یهودا را فتح کرد.

«اگرچه مصر نتوانست در برابر آنتیوخوس، پادشاه شمال، ایستادگی کند، آنتیوخوس نیز نتوانست در برابر رومیان که اکنون بر ضد او آمده بودند، مقاومت نماید. دیگر هیچ پادشاهی‌ای قادر نبود در برابر این قدرت رو به صعود ایستادگی کند. هنگامی که پومپئوس در سال ۶۵ پیش از میلاد، آنتیوخوس آسیاتیکوس را از متصرفاتش محروم ساخت و سوریه را به یک ایالت رومی تبدیل کرد، سوریه فتح شد و به امپراتوری روم افزوده گردید.»

«همان قدرت نیز می‌بایست در سرزمین مقدس بایستد و آن را ببلعد. روم در سال ۱۶۲ پیش از میلاد، از طریق اتحاد، با قوم خدا، یعنی یهودیان، مرتبط شد، و از آن تاریخ جایگاهی برجسته در گاه‌شماری نبوی دارد. با این همه، تا سال ۶۳ پیش از میلاد، از راه فتح واقعی، حاکمیت بر یهودیه را به دست نیاورد؛ و آن‌گاه به طریق زیر.» Uriah Smith, Daniel and Revelation, 259.

آیه دیگری که دانیال عبارت «سرزمین باشکوه» را به کار می‌برد، آیه چهل‌ویکم است.

او همچنین وارد سرزمین باشکوه خواهد شد، و بسیاری از کشورها سرنگون خواهند شد؛ اما اینان از دست او رهایی خواهند یافت: یعنی ادم، موآب و بزرگان بنی‌عمون. دانیال ۱۱:۴۱.

آیه چهل‌ویکم، البته، پس از آیه چهل می‌آید و آیه چهل با این عبارت آغاز می‌شود: «و در وقت آخر». در کتاب «نبرد عظیم»، خواهر وایت سال ۱۷۹۸ را «وقت آخر» می‌داند؛ پس آیه چهل‌ویکم به تاریخ پس از وقت آخر در سال ۱۷۹۸ اشاره دارد.

«اما در زمان آخر، پیامبر می‌گوید: "بسیاری تردد خواهند کرد و معرفت افزوده خواهد شد." دانیال ۱۲:۴. . . از سال ۱۷۹۸، مهر و موم کتاب دانیال گشوده شده، معرفت نبوت‌ها افزایش یافته، و بسیاری پیام خطیر نزدیکی داوری را اعلام کرده‌اند.» مناقشه عظیم، ۳۵۶.

سرزمین باشکوه مذکور در آیه چهل‌ویکم، یهودای باستان به معنای لفظی نیست، بلکه یهودای معنوی امروزی است. ایالات متحده یهودای معنوی امروزی است و آیه چهل‌ویکم قانون یکشنبه قریب‌الوقوع را در ایالات متحده مشخص می‌کند.

اما نخست آنچه روحانی است نبود، بلکه آنچه طبیعی است؛ و پس از آن آنچه روحانی است. اول قرن‌تینان ۱۵:۴۶

آن قانون یکشنبه به وسیله آیه شانزدهم به طور نمونه‌وار نشان داده شده است، زیرا «بخش زیادی از تاریخی که رخ داده است» در تحقق باب یازدهم دانیال قرار است تکرار شود. آیات ده تا پانزده در روزهای آخر، تاریخ مقدم بر قانون یکشنبه و منتهی به آن را نشان می‌دهند.

پادشاه شمال در آن پنج آیه، و همچنین پادشاه جنوب، که تحقق آن‌ها در پادشاه سلوکی آنتیوخوس بزرگ و پادشاهان مصری دولت بطلمیوسی انجام شد، نماد قدرت‌هایی هستند که محور تاریخی‌ای را شکل می‌دهند که به قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد منتهی می‌شود. این آیات تاریخ جنبش

یکصد و چهل و چهار هزار نفر را مشخص می‌کنند، زیرا آیه دهم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ را مشخص می‌کند و آیه شانزدهم قانون یکشنبه قریب الوقوع را مشخص می‌کند.

مسیح با هم‌تراز کردن آیه ده با آیه چهل و آیه شانزده با آیه چهل و یک، بر این آیات تأکید می‌کند. اشاره مستقیم به سرزمین پرچالال ظاهری که نمونه سرزمین پرچالال روحانی آیه چهل و یک است، پایان این شش آیه است، و آیه ده آغاز آن‌هاست.

همان‌گونه که مسیح مطمئن ساخت که آیه شانزده ارتباط مستقیمی با آیه چهل و یک دارد، به همین ترتیب آیه ده نیز ارتباط مستقیمی با آیه چهل دارد. عبارت «سرریز شود و از میان بگذرد» در آیه ده، همان عبارت عبری یکسانی است که در آیه چهل به صورت «سرریز شود و از روی آن بگذرد» ترجمه شده است. این عبارت فقط در یک جای دیگر کتاب مقدس یافت می‌شود، اما ترجمه‌اش اندکی متفاوت از آیه ده و آیه چهل است. با این حال، همان عبارت عبری است.

و او از یهودا خواهد گذشت؛ طغیان کرده و عبور خواهد کرد، تا به گردن خواهد رسید؛ و گستردن بال‌هایش پهنای سرزمین تو را پر خواهد کرد، ای عمانوئیل. اشعیا ۸:۸

عبارت «طغیان کرده و عبور کند» در اشعیا، همان است که در آیه ده «طغیان کرده و از میان بگذرد» و در آیه چهل «طغیان کرده و بگذرد» آمده است. فراتر از این، هر سه آیه حمله‌ای از سوی پادشاه شمال بر پادشاه جنوب را توصیف می‌کنند. در اشعیا، پادشاه شمال آشور، سنحاریب، به یهودا، پادشاهی جنوبی اسرائیل، حمله می‌کرد. در آیه ده، آنتیوخوس کبیر، پادشاه شمالی امپراتوری سلوکی، به پادشاهی جنوبی مصر حمله می‌کرد. در آیه چهل، پادشاه شمال، یعنی قدرت پاپی، که در ابتدای آیه چهل زخم مهلکی دریافت کرده بود، به قدرت الحادی جنوبی اتحاد جماهیر شوروی حمله می‌کرد. هر آیه همان ساختار نبوی نزاعی میان پادشاهان شمال و جنوب را بازمی‌نماید، و در هر آیه پادشاه شمال «طغیان کرده و بگذرد».

شهادت اشعیا و آیه ده هر دو نشان می‌دهند که وقتی پادشاه شمال حمله می‌کند، پیش از آنکه وارد پایتخت پادشاهی جنوبی شود، از پیشروی بازمی‌ایستد. سنحاریب لشکرکشی خود را تا پای دیوارهای اورشلیم پیش برد و فراتر نرفت. در سال ۲۱۹ پیش از میلاد، آنتیوخوس بزرگ تا مرز مصر آمد و متوقف شد. سپس دو سال بعد، در ۲۱۷ پیش از میلاد، در نبرد رافیا شکست خورد. سنحاریب تا دیوارهای اورشلیم آمد و با دخالت خدا شکست خورد.

بنابراین خداوند درباره پادشاه آشور چنین می‌گوید: او به این شهر داخل نخواهد شد، در آنجا تیری نخواهد انداخت، با سپر در برابر آن نخواهد آمد، و بر ضد آن خاکریز نخواهد افکند. از همان راهی که آمد، از همان راه بازخواهد گشت، و به این شهر داخل نخواهد شد، می‌گوید خداوند. زیرا من از این شهر دفاع خواهم کرد تا آن را نجات دهم، به خاطر خودم و به خاطر خادم داوود. و در همان شب چنین شد که فرشته خداوند بیرون رفت و در اردوگاه آشوریان صد و هشتاد و پنج هزار نفر را کشت؛ و چون بامدادان برخاستند، دیدند که همه لاشه‌های مردگان‌اند. پس سنحاریب، پادشاه آشور، روانه شد، رفت و بازگشت و در نینوا ساکن گردید. و چنین شد که چون در خانه نسرخ، خدای خود، عبادت می‌کرد، ادرملک و شرآصر، پسرانش، او را با شمشیر کشتند؛ و آنان به سرزمین ارمستان گریختند. و اسرحدون، پسرش، به جای او پادشاهی کرد. دوم پادشاهان ۳۲:۱۹-۳۷.

در سال ۱۹۸۹، پادشاه شمال اتحاد جماهیر شوروی را در هم شکست، اما بر پایتخت آن چیره نشد. روسیه پابرجا ماند. نبرد بعدی، که در آیات یازده و دوازده تصویر شده، نبرد رافیا بود؛ نبردی که همچنین با سرنگونی سپاه سنحاریب و مرگ پس از آن او نمادین شده و حاکی از پیروزی پادشاه جنوب است؛ پیروزی‌ای که در روایت سنحاریب، یهودا دانسته می‌شود و در روایت آنتیوخوس کبیر، رافیا.

آیه ده ارتباطی مستقیم با آیه چهل برقرار می‌کند و آیه شانزده ارتباطی مستقیم با آیه چهلویک برقرار می‌سازد. آیات ده تا شانزده تاریخ از سال ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه را نمایان می‌سازند. این آیه به تاریخی پنهان که در آیه چهل نهفته است اشاره دارد؛ تاریخی که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ آغاز می‌شود و تا قانون یکشنبه ادامه می‌یابد. آیه ده همچنین «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش را به آن تاریخ پنهان به صورت مستقیم پیوند می‌دهد، اما آن خط حقیقت بیرون از محدوده چیزی است که در اینجا در صدد بیان آن هستیم.

در تاریخ جنبش میلریتی، نخستین آن شش مناقشه اصلی درون ادونتیسیم درباره تشخیص درست روم رخ داد و محور آن این بود که «غارتگران آیه چهارده» نماینده چه کسانی هستند. پروتستان‌ها معتقد بودند که مقصود از آنان آنتیوخوس اپیفانس است و میلریتی‌ها آنان را روم می‌دانستند. در آخرین مناقشه ادونتیسیم درباره تشخیص درست روم نیز اختلاف بر سر همان «غارتگران آیه چهارده» است. یک دسته، که میلریتی‌ها نماینده آن‌اند، از فهم بنیادین میلریتی‌ها دفاع می‌کنند؛ فهمی که از سوی روح نبوت تأیید شده بود.

من دیده‌ام که نمودار ۱۸۴۳ به دست خداوند هدایت شده بود و نباید تغییر داده می‌شد؛ که ارقام آن همان‌گونه بودند که او می‌خواست؛ که دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از ارقام پوشانده بود، چنان‌که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا وقتی که دست او برداشته شد. نوشته‌های نخستین، ۷۴.

آن نمودار مقدس مناقشه را با نشانه ۱۶۴ پیش از میلاد شناسایی می‌کند.

۱۶۴ مرگ آنتیوخوس اپیفانس، که البته در برابر سرور سروران قد علم نکرد، زیرا ۱۶۴ سال پیش از تولد سرور سروران مرده بود.

اشاره به آن مناقشه در نمودار مقدس، نمایانگر تنها حقیقتی است که در آن نمودار ارائه شده اما بر بخشی نبوی از کلام خدا استوار نیست. بدین‌سان، نشانه راهی را معرفی می‌کند — نه از تاریخ کتاب مقدس، بلکه از تاریخ جنبش ادونتیسیت — و «نباید تغییر داده شود»، زیرا آن مناقشه نشان می‌دهد که رؤیای نبوی چگونه تثبیت می‌شود. رد کردن آن حقیقت بنیادین، هم‌زمان به معنای رد اقتدار تأیید روح نبوت بر نمودار مقدس است.

آخرین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر سازد. «هر جا رؤیا نباشد، قوم هلاک می‌شود» (امثال 29:18). شیطان با زیرکی، به شیوه‌های گوناگون و از طریق عوامل مختلف، کار خواهد کرد تا اعتماد قوم باقیمانده خدا را به شهادت حقیقی متزلزل سازد. او برای گمراه کردن، رؤیاهای جعلی وارد خواهد کرد و با آمیختن باطل با حق، چنان مردم را منجر خواهد ساخت که هر آنچه نام رؤیا را بر خود دارد را نوعی تعصب‌گرایی بدانند؛ اما نفوس صادق، با مقایسه باطل و حق، قادر خواهند شد میان آن‌ها تمیز دهند. پیام‌های برگزیده، کتاب ۲، ۷۸.

آخرین مناقشه «غارتگران قوم تو» همانند نخستین است، و بدون درک نمادی که مکاشفه را تثبیت می‌کند، «قوم هلاک می‌شود.» آنان «هلاک می‌شوند» زیرا «شهادت روح خدا را بی‌اثر می‌سازند.»

دسته دیگر ادعا می‌کند که ایالات متحده به‌عنوان غارتگران آیه چهارده معرفی شده است. آن دسته نمی‌تواند یا نمی‌خواهد ببیند که آنتیوخوس بزرگ در آیات ده تا پانزده نمایانگر ایالات متحده است. همان‌گونه که پروتستان‌های تاریخ میلریتی ادعا می‌کردند که غارتگران آنتیوخوس بودند، آن دسته‌ای که حاضر به دیدن نیست، غارتگران را همان قدرتی (ایالات متحده) به‌شمار می‌آورد که آنتیوخوس نمونه آن است.

حمله سنحاریب به یهودا که تا پایتخت، اورشلیم، رسید و ناکام ماند، به فرماندهی سردار سنحاریب، ریشاقه، صورت گرفت.

پس اکنون، از تو می‌خواهم، با سرور من، پادشاه آشور، پیمان ببند؛ و من دو هزار اسب به تو خواهم داد، اگر بتوانی از جانب خود بر آنها سوارانی بنشانی. پس چگونه می‌توانی حتی یکی از فرماندهان کوچک‌ترین خدمتگزاران سرور مرا عقب برانی و برای ارابه‌ها و سواران بر مصر تکیه کنی؟ آیا اکنون بدون خداوند بر این مکان برآمده‌ام تا آن را نابود کنم؟ خداوند به من گفت: بر این سرزمین برای و آن را نابود کن. آنگاه الیاقیم پسر حلقیا، و شبناه، و یواخ، به ریشاقه گفتند: تمنا داریم با بندگان تو به زبان آرامی سخن بگوییم، زیرا آن را می‌فهمیم؛ و با ما به زبان یهودی، به گوش مردمی که بر دیوارند، سخن مگو. اما ریشاقه به ایشان گفت: آیا آقای من مرا نزد آقای تو و نزد تو فرستاده است تا این سخنان را بگویم؟ آیا او مرا نزد مردانی که بر دیوار نشسته‌اند نفرستاده تا با شما مدفوع خود را بخورند و ادرار خود را بنوشند؟ آنگاه ریشاقه ایستاد و با آواز بلند به زبان یهودی فریاد زد و گفت: سخن پادشاه بزرگ، پادشاه آشور، را بشنوید. دوم پادشاهان ۲۳:۱۸-۲۸.

ریشاقه نه سخنان خود، بلکه سخنان سنحاریب، پادشاه آشور را بیان می‌کرد. در دانیال باب یازده، آیه ۴، پادشاه شمال قدرت پاپی است که در وقت پایان، در سال ۱۷۹۸، از دست فرانسه بی‌خدا، پادشاه جنوب، زخمی مرگبار دریافت کرد. در همان آیه، پادشاه شمال سرانجام تلفاتی می‌کند و در سال ۱۹۸۹ بر پادشاهی جنوب (اتحاد جماهیر شوروی) چیره شده و آن را در می‌نوردد. وقتی پادشاه شمال آن کار را به انجام رساند، با خود «ارابه‌ها و سواران و کشتی‌های بسیار» آورد. «ارابه‌ها و سواران» نمایانگر قدرت نظامی‌اند و «کشتی‌ها» نمایانگر قدرت اقتصادی. این نمادها ایالات متحده را به‌عنوان ارتش نیابتی روم پاپی در پیروزی ۱۹۸۹ مشخص می‌کنند، همان‌گونه که ریشاقه نمونه‌وار آن است. آنتیوخوس کبیر در آیات ده تا پانزده نمایانگر ایالات متحده است، و همان‌گونه که ویلیام میلر به‌درستی تشخیص داد که واژه «also» در آیه چهاردهم از ورود قدرتی تازه به روایت نبوی حکایت می‌کند، «غارتگران» باید نماینده قدرتی باشند متمایز از شاهان بطلمیوسی جنوب، یا آنتیوخوس پادشاه شمال، یا فیلیپ مقدونی.

پادشاه جنوب، در این آیه، بی‌هیچ تردیدی به معنای پادشاه مصر است؛ اما اینکه «غارتگران قوم تو» به چه معناست، شاید برای برخی هنوز محل تردید باشد. اینکه نمی‌تواند به آنتیوخوس پاپی پادشاهی از سوریه اشاره داشته باشد، روشن است؛ زیرا فرشته در چندین آیه پیشین درباره آن قوم سخن گفته بود و اکنون می‌گوید: «و نیز غارتگران قوم تو»، و غیره، که آشکارا به قومی دیگر دلالت دارد. می‌پذیرم که شاید آنتیوخوس یهودیان را غارت کرده باشد؛ اما این چگونه می‌تواند «رؤیا را تثبیت کند»، در حالی که در هیچ جای رؤیا از آنتیوخوس به‌عنوان انجام‌دهنده چنین کاری سخنی نرفته است؛ زیرا او در رؤیا به آنچه پادشاهی یونانی خوانده می‌شود تعلق دارد. نیز، «تثبیت رؤیا» باید به معنای قطعی کردن، کامل ساختن، یا تحقق بخشیدن به همان باشد. ویلیام میلر، آثار میلر، سخنرانی ششم، ص. ۸۹.

«آنتیوخوس» نامی بود که بسیاری از پادشاهان امپراتوری سلوکی سوریه برگزیدند. بنیان‌گذار آن امپراتوری سلوکی نیکاتور بود، و چیزی میان بیست‌وشش تا سی پادشاه کل فهرست شاهان سلوکی را تشکیل می‌دادند. بسیاری از آن پادشاهان نام «آنتیوخوس» را برگزیدند، همان‌گونه که بسیاری از پاپ‌ها هنگام برگزیده شدن به پاپی، نام‌های تخت برمی‌گزینند. پاپ‌ها همگی «ضد مسیح» هستند، که به معنای «بر ضد مسیح» است. واژه «آنتی» به معنای «علیه» است. چون ضد مسیح‌اند، نام نیای روحانی خود را گرفته‌اند که شیطان است. شیطان و پاپ‌ها هر دو در الهام به‌عنوان ضد مسیح شناخته شده‌اند.

«عزم ضد مسیح برای اجرای تمردی که در آسمان آغاز کرد، همچنان در فرزندان نافرمانی عمل خواهد کرد.» گواهی‌ها، جلد ۹، صفحه ۲۳۰.

یک پاپ نماینده شیطان است و از این رو هر دو مخالف مسیح‌اند و بنابراین «ضد مسیح» به شمار می‌آیند. آن‌ها هنگامی که مقام پاپی را بر عهده می‌گیرند نامی برای خود برمی‌گزینند و نماینده زمینی شیطان می‌شوند.

برای تضمین منافع و افتخارات دنیوی، کلیسا بر آن داشته شد که در پی جلب لطف و حمایت بزرگان زمین برآید؛ و چون بدین‌سان مسیح را رد کرد، واداشته شد که وفاداری خود را به نماینده شیطان—اسقف رم—اعلام کند. مناقشه‌ی بزرگ، ۵۰.

از اعمالشان آنها را خواهید شناخت، و پاپ‌ها همان کار شیطان را ادامه می‌دهند.

از طریق پاپ رُم، همان کار در همین زمین ادامه یافته است که در بارگاه‌های آسمان، پیش از اخراج شاهزاده تاریکی، جریان داشت. شیطان در آسمان درصدد اصلاح قانون خدا برآمد و می‌خواست اصلحیه‌ای از جانب خود عرضه کند. او داوری خویش را برتر از داوری آفریننده‌اش برافراشت و اراده خود را بالاتر از اراده یهوه نهاد و بدین‌سان عملاً اعلام کرد که خدا خطاپذیر است. پاپ نیز همان راه را می‌پوید و با ادعای عصمت برای خویش، می‌کوشد قانون خدا را با اندیشه‌های خود وفق دهد؛ و می‌پندارد می‌تواند خطاهایی را که گمان می‌کند در فرامین و احکام خداوند آسمان و زمین می‌بیند، اصلاح نماید. او عملاً به جهان می‌گوید: من قوانینی بهتر از قوانین یهوه به شما خواهم داد. این چه اهانتی است به خدای آسمان! نشانه‌های زمان، ۱۹ نوامبر ۱۸۹۴.

با آن‌که سلوکوس نیکاتور امپراتوری سلوکیان را بنیان گذاشت، بسیاری از پادشاهان پس از او نام «آنتیوخوس» را برگزیدند؛ نه به افتخار سلوکوس، بلکه به افتخار پدرش. پدر سلوکوس، آنتیوخوس، نجیب‌زاده‌ای بود و به‌عنوان سرداری در خدمت فیلیپ دوم مقدونیه، پدر اسکندر مقدونی. این جایگاه اشرافی و پیشینه نظامی به شکل‌گیری نقش برجسته خود سلوکوس و برآمدن بعدی او به قدرت پس از مرگ اسکندر مقدونی کمک کرد.

پادشاهی سلوکوس زمانی شکل گرفت که او کنترل سه بخش از چهار بخش پادشاهی اسکندر را به دست گرفت. روم نیز برای به دست گرفتن کنترل و تبدیل شدن به پادشاه شمال، سه قدرت جغرافیایی را فتح می‌کند. وقتی سلوکوس شرق و غرب و شمال را تثبیت کرد، در روایت تاریخی پادشاه شمال شد و پایتخت او شهر بابل بود. بسیاری از پادشاهان بعدی، هنگامی که بر تخت شمال می‌نشستند، نام «آنتیوخوس» را برمی‌گزیدند تا نیای سیاسی خود را گرامی بدارند. این شباهت دیدنش آسان است، اگر بخواهید ببینید. اگر نخواهید، نمی‌بینید.

نام «آنتیوخوس» (Ἀντίοχος به یونانی) از اجزای یونانی «anti» (به معنای «بر ضد» یا «مقابل») و «ocheo» (به معنای «محکم نگاه داشتن» یا «حفظ کردن») می‌آید. پادشاهان شمال این نام را برای حفظ میراث سیاسی پدری‌شان برگزیدند، همان‌گونه که ضد مسیح (پاپ‌ها) هنگام آغاز حکومت نام‌هایی برمی‌گزینند. همان‌طور که پاپ‌ها نمایندگان پدرشان، یعنی شیطان، هستند، آنتیوخوس‌های امپراتوری سوریه نیز نمونه نمایندگان پدرشان‌اند. در این کاربرد، آنتیوخوس نیابت پدرشان است. نیروی نیابتی قدرت پاپی در سال ۱۹۸۹ ایالات متحده بود و شواهد سکولار رابطه میان ضد مسیح، پاپ ژان پل دوم، و رونالد ریگان را در کارشان برای فروپاشاندن اتحاد جماهیر شوروی سابق تأیید می‌کند.

در آیات ده تا شانزده، آیه نخست و آیه پایانی دارای ارجاعات مستقیم به آیات چهل و چهل و یک هستند. آیه ده مستقیماً با آیه چهل متناظر است. آیه شانزده مستقیماً با آیه چهل و یک متناظر است.

این آیات بخشی از نبوت دانیال را نشان می‌دهند که به ایام آخر مربوط می‌شود.

کتابی که مَهر شده بود، کتاب مکاشفه نبود، بلکه آن بخش نبوت دانیال بود که به روزهای آخر مربوط می‌شد. کتاب مقدس می‌گوید: «اما تو، ای دانیال، سخنان را پنهان کن و کتاب را تا زمان پایان مهر کن؛ بسیاری به این سو و آن سو خواهند رفت و دانش افزوده خواهد شد» (دانیال ۴: ۱۲). وقتی کتاب گشوده شد، این اعلام شد: «دیگر زمانی در کار نخواهد بود.» (رجوع کنید به مکاشفه ۱۰: ۶). کتاب دانیال اکنون مهر آن گشوده شده است، و مکاشفه‌ای که مسیح به یوحنا داد باید به همه ساکنان زمین برسد. به واسطه افزایش دانش، قومی مهیا خواهد شد تا در روزهای آخر بایستد...

در پیام نخستین فرشته، از انسان‌ها خواسته می‌شود خداوند، آفریننده ما، را که جهان و هر آنچه در آن است آفرید، بپرستند. آنان به یکی از نهادهای پاپی حرمت نهاده و شریعت یهوه را بی‌اثر کرده‌اند، اما شناخت در این موضوع افزایش خواهد یافت. پیام‌های برگزیده، کتاب ۲، ۱۰۵، ۱۰۶.

در زمان پایان، در سال ۱۹۸۹، شش آیه پایانی فصل یازدهم کتاب دانیال نمایانگر «بخشی از نبوت دانیال که به ایام آخر مربوط است» بودند. هنگامی که مهر آن گشوده شد، این امر شناخته شد، و آن گشوده شدن سبب افزایش معرفت درباره «نهاد پاپی و بی‌اثر ساختن شریعت یهوه» گردید. آلفا و امگا همواره پایان را با آغاز نشان می‌دهد، و فرایند آزمونی که در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، برای پدید آوردن دو گروه پرستندگان طراحی شده بود.

و گفت: برو به راه خود، ای دانیال؛ زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده‌اند. بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند گردید و آزموده خواهند شد؛ اما شیران بدکاری خواهند کرد، و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید؛ اما دانایان خواهند فهمید. دانیال ۱۲: ۹، ۱۰.

ما اکنون در مرحله نهایی آن فرایند آزمون قرار داریم، زیرا مناقشه بر سر راهزنان در آغاز ادونتیسیم اکنون دوباره تکرار می‌شود. شناسایی راهزنان به عنوان ایالات متحده، به منزله شناسایی آنتیوخوس به عنوان راهزنان است. این همان مناقشه میان میلری‌ها و پروتستان‌هاست.

در پایان فرایند آزمون، همان‌گونه که در ابتدای این فرایند، که در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، شیر سبط یهودا مهر «آن بخش از نبوت دانیال که به ایام آخر مربوط می‌شود» را می‌گشاید. در سال ۱۹۸۹، آن بخش شامل شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال بود، و در پایان، تاریخ پنهان آیه چهارم است که آیات ده تا شانزده نمونه آن را نشان می‌دهند.

ما بررسی شش خط مناقشه در تاریخ ادونتیسیم را در مقالات بعدی ادامه خواهیم داد. نخستین آن شش مناقشه، آخرین آن‌ها را به تصویر می‌کشد. ما از نخستین و آخرین مناقشه برای هم‌پوشانی چهار مناقشه دیگر استفاده خواهیم کرد، در حالی که عناصر دخیل در تلاش‌های دشمن پارسایی برای بازداشتن قوم خدا از به‌درستی تقسیم کردن «رؤیا» را، که با نماد روم استوار شده است، بازمی‌گشاییم.

اگر اهمیت لحظاتی را که به سرعت به ابدیت می‌پیوندند درنیابیم و برای ایستادن در روز عظیم خدا آماده نشویم، امینانی بی‌وفا خواهیم بود. نگهبان باید وقت شب را بداند. اکنون همه چیز جامه هیبت و جدیتی بر تن کرده است که همه کسانی که حقیقت این زمان را باور دارند باید آن را دریابند. آنان باید با توجه به روز خدا عمل کنند. دآوری‌های خداوند در شرف فرود آمدن بر جهان است و ما باید خود را برای آن روز عظیم آماده کنیم.

زمان ما گران‌بهاست. جز چند روز، آن هم بسیار اندک، از دوران آزمایش در اختیار نداریم تا برای زندگی آینده، حیات جاودان، آماده شویم. ما وقتی برای صرف در اقدامات پراکنده و بی‌برنامه

نداریم. باید از سطحی‌نگری در کلام خدا بیم داشته باشیم. شهادت‌ها، جلد ۶، ۴۰۷.